

آسیب شناسی روش تربیتی تنبیه و راه‌های برون‌رفت از آن با نگرش به منابع اسلامی

صابره سادات^۱، سید علی صدیقی^۲

چکیده

تنبیه از روش‌های مهم و مؤثر تربیتی است که برخلاف وجهه ناخوشایند و آفت‌هایی که دارد در طول تاریخ تعلیم و تربیت بشر سابقه زیادی دارد. امروزه نیز برخی اندیشمندان حذف آن را به خاطر بازدارندگی آن در شرایط خاص نمی‌پسندند. بدیهی است استفاده نادرست از این روش اگر براساس اصول و ضوابط مناسب نباشد، آسیب‌های متعددی برای فرد و جامعه به دنبال دارد که در منابع اسلامی نیز به حد مطلوبی به این آسیب‌ها و حتی راهکارهای برون‌رفت از آن پرداخته شده است. در پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، آسیب‌های مطرح شده در منابع اسلامی، اعم از آسیب‌های جسمانی، روانی، اخلاقی، اجتماعی، شخصیتی، دینی و اخروی و حتی راهکارهای برون‌رفت از این آسیب‌ها اعم از آموزش روش‌های مختلف تربیتی به والدین، هماهنگی در تربیت، عدم تصمیم‌گیری در حال عصبانیت و کاستن از سختی شرایط زندگی، کشف، ارائه و تبیین شده است.

واژگان کلیدی: روش‌های تربیتی، تنبیه، آسیب شناسی تنبیه، راهکارهای

رفع آسیب تنبیه. تنبیه در اسلام.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی، رشته علوم تربیتی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی شهیده بنت الهدی، قم، ایران،

s. sadat1388@gmail.com

ORCID.ID: 0000-0002-1254-449X

۲. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی شخصیت، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، قم، ایران،

s. ali. seddighy@gmail.com

ORCID.ID: 0000000309351395

۱. مقدمه

از منظر اسلام انسان موجودی است که روح خدا در او دمیده و استعدادهای رسیدن به کمال در نهاد او بصورت بالقوه به ودیعه گذاشته شده است. استعدادهایی که در اثر تعلیم و تربیت صحیح شکوفا شده و به فعلیت می‌رسد یا در اثرها شدن یا تربیت ناصحیح به تباهی کشیده می‌شود و چون انسان آفریده شده تا به کمال برسد، تربیت اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. دین اسلام به منظور تنظیم و سازمان بخشیدن رفتار انسان و روابط انسانی و حتی طرز سلوک انسان با خویشتن، برنامه و ضوابطی رسا و پسندیده دارد که از جمله آنها اصل تنبیه و مجازات است. (حجتی، ۱۳۸۳)

تنبیه از نظر روان‌شناسان، به دلیل اثرات منفی که از خود برجای می‌گذارد مطرود و ممنوع است، اما بیشتر دانشمندان و علمای اسلامی تنبیه را از نظر اسلام جایز دانسته و برای آن شرایط و حدودی تعیین می‌کنند. (حسینی‌زاده، ۱۳۷۷) البته باید توجه داشت که بسیاری از فقها در کنار حکم به جواز تأدیب، به این نکته اشاره کرده‌اند که صدمات ناشی از تأدیب با سوءنیت، از مصادیق کودک‌آزاری است. پس اگر تنبیه بدنی خارج از حد ضرورت یا بیش از مقدار لازم باشد، تعدی بوده و موجب ضمان، دیه و مجازات تعزیری است (طارمی، ۱۳۸۹). باتوجه به اینکه افراد جامعه ممکن است به راه حق هدایت نشوند و به سمت ضلالت و گمراهی پیش روند و به دلیل افراط و استفاده حساب نشده از تنبیه و عدم آگاهی از آسیب‌های روش تنبیه در اسلام، نیاز و ضرورت زیادی به بررسی این موضوع است.

علم تعلیم و تربیت ریشه‌ای چندین هزار ساله دارد و از صدها سال قبل از میلاد هم تأثیر مستقیمی بر روی آحاد مردم داشته است و در این زمینه مسائل تربیتی به‌ویژه آسیب‌های روش تربیتی تنبیه پژوهش‌ها و تحقیقاتی صورت گرفته است. از جمله کتاب تربیت تألیف آیت‌الله ابراهیم امینی، کتاب بیست اصل در تربیت تألیف علی محمد رفیعی محمدی و مقاله تنبیه از دیدگاه اسلامی از سید علی حسینی‌زاده مطالب سودمند و مفیدی مطرح شده است، اما اشکال مشترکی که در همه منابع احساس می‌شود جنبه اشارتی و اجمالی مطرح شدن نکات تربیتی

است. در پژوهش حاضر سعی شده است با استفاده از این منابع به طور جزئی به بیان این نکات پردازد.

هدف از این تحقیق شناخت و بررسی آسیب‌های تربیتی روش تنبیه با نگرش به منابع اسلامی است و اینکه تنبیه چه پیامدهای نامطلوبی دارد و برای این آسیب‌ها چه راهکارهایی تبیین وجود دارد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. تنبیه

تنبیه در لغت واژه‌ای عربی است از باب تفعیل و ماده «نبه» که در لغت عرب آن را چنین معنا کرده‌اند: «برخاستن و بیدار شدن از خواب غفلت» (ابن منظور، ۱۴۱۷ق، ۵۴۶/۱۳، ماده نبه)؛ چراکه مجازات فرد خطاکار، وی را از خواب غفلت بیدار می‌کند. چنانچه در کاربرد فارسی نیز به معنای «آگاه و بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی، مجازات کردن، گوشمالی دادن، چوب زدن» (دهخدا، ۱۳۷۳) آمده است که تناسب خوبی با معنای عربی این کلمه دارد. معادل این واژه در زبان انگلیسی Punishment است. یعنی بازخوردی که لازمه آن آگاه و هوشیار کردن است. براین اساس، این واژه دست‌کم سه کاربرد دارد: کاربرد اول شامل حذف پاسخ مثبت از ارگانیسم به زبان متداول تنبیه. تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانیسم است که خواستار آن است (هرگنهان و اولسون، ۱۴۰۱، ص ۱۳۸)؛ کاربرد دوم شامل ارائه پاسخ منفی به ارگانیسم است. در این تعریف تنبیه عبارتست از ارائه محرک آزارنده یا تنبیه‌کننده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار (سیف، ۱۳۹۷، ص ۲۴۶) و کاربرد سوم شامل تنبیه بدنی یا کتک زدن است که گاهی مراد از تنبیه، فقط همین بازخورد است. به طور کلی دو نوع تنبیه وجود دارد: تنبیه غیر بدنی و تنبیه بدنی. از جمله شیوه‌های تنبیه غیربدنی، می‌توان یادآوری غیرمستقیم، تهدید، سرزنش، جریمه، قهر کردن و اخطار را نام برد.

۲-۲. تربیت

تربیت کلمه‌ای عربی و از ریشه ربو و یا رب است به معنای آقا، مالک، رئیس، صاحب و خالق و مربی (احمد بن فارس، ۱۴۲۹ق، ص ۳۷۸). در فرهنگ لغت معجم مقایس به معنای فزونی و زیادتی، بالایی و رشد معنا شده است. (همان) براین اساس، تربیت به معنای نظارت کردن، سرپرستی و رهبری کردن و پروراندن و به کمال رساندن شیء است. بیشتر لغت دانان تربیت را از ریشه رب می‌دانند و آن را با توجه به این ریشه تعریف کرده‌اند. این در زبان فارسی به معنای پروردن، پروراندن، آموختن، پرورش دادن و تعلیم کردن، به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه و... آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳).

تربیت در اصطلاح، مجموعه اعمالی است که یک فرد به عمد، به منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسان‌های دیگر براساس برنامه‌سنجیده انجام می‌دهد» (داوودی، ۱۳۸۷). همچنین در معنای دیگری تربیت یعنی، برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمام استعدادها و توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان به منظور رسیدن به کمال مطلوب (بهشتی، ۱۳۸۶). در واقع هریک از این تعاریف ناظر به وجهی از تربیت است و در آن رویکرد خاصی مطرح شده است. تعریف اول با رویکرد مربی‌محوری است که به شخصیت فعال متری توجه نشده است. تعریف دوم، جامع‌تر است که رویکردی دوسویه دارد و متری و مربی، هر دو را شامل می‌شود که در آن شخصیت مربی و متریب هر دو فعال ترسیم شده و حتی هدف نیز مشخص شده است.

۳. دیدگاه اسلام و روان‌شناسان در مورد تنبیه

از دیرزمان از ابزارهای گوناگونی برای تعلیم و تربیت، استفاده می‌شده است. بعضی از این ابزارها جنبه انگیزشی داشته و بعضی دیگر جنبه بازدارندگی از فعالیت‌های نامطلوب داشته است. یکی از این ابزارهای بازدارنده «تنبیه» است. استفاده از تنبیه در تربیت، همواره مخالفان و موافقانی داشته است با این تفاوت که در گذشته، موافقان بیشتر و اکنون مخالفان بیشتری

دارد. متخصصان تنبیه، دست کم تنبیه بدنی را جایز نمی دانند و عدم کارایی و یا آثار و مضرات جسمانی، روانی و اجتماعی آن را دلیل بر این امر می دانند، ولی باید گفت که اولاً چنین نیست که تنبیه کارایی نداشته باشد. در بسیاری از موارد، تنبیه اصلاح گر است تاجایی که عموم کسانی که در اصلاح رفتار کتاب نوشته اند، تنبیه را یکی از روش های اصلاح و تغییر رفتار ذکر کرده اند. ثانیاً در مواردی که تنبیه اصلاح گر نباشد دست کم اثر بازدارندگی و عبرت آموز برای دیگران دارد. (حسینی، ۱۳۹۱)

دیدگاه روان شناسان در مورد تنبیه را می توان به سه گروه تقسیم کرد: دسته اول با بهره گیری از تنبیه در مسائل تعلیم و تربیت مخالفند و هیچ نوع تنبیهی را اعمال نمی کنند و تشویق را تنها راه تربیت می دانند. به نظر این عده، اگر قرار شود کودکی تنبیه شود باید طبیعت و آثار طبیعی اعمالش او را تنبیه کند. دسته دوم، ذات کودک را ناسالم و شرور می دانند و معتقدند که برای اصلاح او سزاوار است سخت ترین تنبیه ها اعمال شود؛ زیرا هنگام خلاف و جرم، روح شیطان در کالبد او حلول می کند. از این رو، باید او را به شدت تنبیه کرد تا شیطان از کالبدش خارج شود. دسته سوم، مکاتب و صاحب نظرانی هستند که با تنبیه به عنوان یک ابزار تربیتی موافقند، ولی تشویق را مهمتر می دانند و تنبیه را در صورتی که ابزارهای ترغیبی اثرگذار واقع نشد، به عنوان آخرین راه حل می پذیرند. البته در انجام تنبیه از نظر کمی و کیفی باید شرایط ویژه ای رعایت شود (حسینی، ۱۳۹۱).

از نظر اسلام راه اصلی تربیت راه رفق، مدارا، محبت، رحمت و عفو است و استفاده از تنبیه در مواردی جایز است که از راه اصلی نتوان راه به منزل برد. در روایات متعددی از پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است که اگر تنبیه درست و به موقع و با شرایط لازم اجرا شود، به منظور تربیت و تأدیب کودک جایز است و باعث از بین رفتن رفتار نامطلوب می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «کسی که خوش رفتاری او را اصلاح نکند، خوب کیفر دادن او را اصلاح خواهد کرد» (آمدی، ۱۳۶۶). همچنین آن حضرت می فرماید: «تأدیب و روش اصلاح خوبان به بزرگداشت آنهاست و اصلاح بدان به تنبیه و عقاب آنهاست» (مجلسی، ۱۳۱۵). باتوجه به این دو

روایت روشن است که تنبیه می‌تواند اثر اصلاحی داشته باشد و در مواردی که اثر اصلاحی هم نداشته باشد، دست‌کم اثر بازدارندگی خواهد داشت که این نیز در امر تربیت مطلوب است. امام کاظم علیه السلام به مردی که از فرزند خود شکایت می‌کرد، آشکارا فرمود: «فرزندت را مزین و برای ادب کردنش از او قهر کن، ولی مواظب باش، قهر کردن طولانی نشود، بلکه همراه زودتر آشتی کن» (مجلسی، ۱۳۷۴). بنابراین در اسلام به مراقبت خوب فرزندان توسط والدین سفارش شده و نشان دادن شفقت نسبت به کودکان یکی از ستوده‌ترین اعمال شناخته شده است. در واقع دین اسلام دین رأفت و رحمت و هدایت است و بدین دلیل نیز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همواره بر تربیت صحیح کودکان در محیط خانواده، ایجاد کانون پر محبت در خانه و مهرورزی به کودکان توصیه می‌نمود (شهریزی، ۱۳۸۵) و خود نیز برای تربیت فرزندان و نوه‌های خویش به هیچ عاملی جز عامل مهر و محبت نیازی پیدا نکرد و هیچ رویداد و حادثه‌ای نشان نمی‌دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تربیت خردسالان به تنبیه بدنی دست زده باشد (حجتی، ۱۳۸۳).

فقه‌های مسلمان نیز با استناد به روایات معصومان علیهم السلام به جواز تنبیه با رعایت نکات و شرایطی فتوا داده‌اند. برای نمونه خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید: «اگر کسی از کودک رفتار ناپسند مشاهده نمود ابتدا با تعامل با آن برخورد نماید و اگر آن عمل را تکرار کرد، در نهان او را سرزنش نماید و از انجام دوباره او را بر حذر دارد و اگر روش‌های تنبیهی آسان‌تر مؤثر واقع نشد، می‌توان با تنبیه بدنی او را اصلاح کرد البته تنبیه بدنی در عین دردآور بودن، اندک و بی‌ضرر باشد» (طوسی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۶-۲۲۷).

علامه طباطبایی نیز معتقد است: «این سه علاج برای اصلاح و تربیت است و به صورت ترتیب می‌باشد و این ترتیب از سیاق کلام فهمیده می‌شود؛ زیرا از ضعیف به شدید است و اگر هر مرحله موجب اصلاح شود، مرد حق ندارد با بهانه‌جویی به اذیت زن بپردازد؛ زیرا در دنباله آیه می‌فرماید: «اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید» (طباطبایی، ۱۳۷۷). این سیره علما در ادامه سنت قرآن کریم است. چنانچه قرآن کریم در آیه ۲۴ سوره نساء برای اصلاح زنانی که از اطاعت همسران خود سر باز می‌زنند، سه نوع تنبیه را پیشنهاد می‌کند: «و

زنانی را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ و (اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آنها دوری نمایید و (اگر راهی جز شدت عمل نبود) آنها را تنبیه کنید».

اسلام، تنبیه بدنی را به عنوان آخرین روش تربیتی برای مجرم یا مجرمان مطرح می‌کند. هنگامی که شیوه‌های تنبیهی غیربدنی، اثربخش نباشد، نوبت به تنبیه بدنی می‌رسد (انصاری، ۱۳۹۲) و حتی مسئله تنبیه بدنی را به طور خاص با مسئله تکلیف و جوانب آن یعنی، اختیار و بلوغ عقلی مرتبط می‌کند؛ یعنی اگر فردی عاقل، بالغ و در عین حال از روی اختیار، به سن تکلیف شرعی رسید و جرمی را مرتکب شد، باید کیفر شود. البته امروزه نیز نتایج نشان داده است کودکان یعنی، افراد نابالغی که تنبیه می‌شوند میانگین نمره مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری عملی، پرخاشگری کلامی و گوشه‌گیری میان آنها به طور معناداری بالاتر از کودکانی است که توسط والدین تنبیه نمی‌شوند (قاسمی، و همکاران، ۱۳۸۶). بنابراین چنانچه اگر بدون رعایت اصول و شرایط آن و نابجا استفاده شود نه اینکه مؤثر نخواهد بود بلکه آثار و مضرات جسمانی، روانی و اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت.

۴. پیامدهای آسیب‌زای تنبیه

۱-۴. آسیب‌های جسمانی

بدیهی است که اگر تنبیه به صورت بدنی باشد می‌تواند باعث آسیب دیدن اعضای بدن از جمله کبودی، شکستگی اعضا و حتی مرگ شود. حتی تنبیه غیر جسمانی هم پیامدهای منفی و یا آسیب‌های روحی به دنبال دارد که می‌تواند موجب کم‌اشتهایی و صدمات جسمی باشد؛ زیرا کودکی که مدام تنبیه می‌شود و گرفتار آسیب‌های روانی متعددی هست تمایل چندانی به غذا خوردن ندارد، به راحتی خواب نمی‌رود یا خواب آرامی ندارد، ممکن است کابوس ببیند. اختلال در خواب و خوراک موجب بیماری‌ها و صدمات جسمانی برای فرد می‌شود. براین اساس، بسیاری از فقها در کنار حکم به جواز تأدیب، به این نکته اشاره کرده‌اند که صدمات ناشی از تأدیب با سوءنیت، از مصادیق کودک‌آزاری است. براین اساس، اگر تنبیه بدنی خارج از حد

ضرورت یا بیش از مقدار لازم باشد، تعدی بوده و موجب ضمان، دیه و مجازات تعزیری است. (طارمی، ۱۳۸۹) چنانچه تحقیقات نیز نشان داده است که کودک‌آزاری در بیشتر موارد به دنبال اقدامات والدین برای تنبیه جسمی کودکان ایجاد می‌شود؛ یعنی والدین حین تنبیه کودک کنترل خود را از دست داده و به طور غیر عمدی شدت تنبیه فیزیکی را زیاد می‌کنند و به این ترتیب باعث بروز آسیب‌های جسمی برای کودکانشان می‌شوند. بنابراین، هرچه شدت تنبیه بیشتر باشد احتمال و خطر صدمه جسمانی و در نتیجه آزار کودک نیز بیشتر می‌شود (قاسمی، و همکاران، ۱۳۸۶).

۴-۲. آسیب‌های روانی

تنبیه حتی در نوع بسیار خفیف اگر نابجا و نادرست باشد خودپنداره فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب بروز مشکلات متعدد روانی همچون یأس، بی‌انگیزه‌گی، کم‌ارادگی، افسردگی، اضطراب، خودکم‌ترینی، کاهش اعتماد به نفس و آسیب به عزت نفس، حداقل برای مدت زمانی خواهد شد؛ زیرا فرزندی که همیشه تنبیه می‌شود، فکر می‌کند دیگران وی را دوست ندارند و کم‌کم سلامت جسمانی و رفتاری او دچار اختلال می‌شود و در نتیجه احساس کم‌ارزشی و کمبود محبت می‌کند تا جایی که ممکن است به افسردگی مزمن نیز دچار شود. در کارهای چنین فردی ابداع و نوآوری کمتر دیده شود، این فرد به مرور از جمع کناره‌گیری می‌کند در نتیجه اضطراب در وجود او ریشه دوانده، عملکرد او را مختل می‌کند. در نتیجه کودک به خاطر ضعف عملکرد و ناتوانی در انجام فعالیت‌ها با شکست‌های متعدد روبه‌رو می‌شود و به تدریج شکست‌های مداوم، اعتماد به نفس او را از بین خواهد برد. این کودکان احساس بی‌کفایتی می‌کنند و شهامت انجام کارهای بزرگ را از دست می‌دهند. (همتی، ۱۳۹۶) براین اساس، بین تنبیه و عزت نفس رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی میزان عزت نفس نوجوانی که تنبیه می‌شوند، در مقایسه با نوجوانی که تنبیه نمی‌شوند به صورت معناداری کاهش می‌یابد (غفاری و حسینی، ۱۳۹۵). باتوجه به منابع روایی، دروغ‌گویی که خود یکی از پیامدهای مهم تنبیه

است موجب نسیان و فراموشی تبیین می‌شود. در این باره از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِنَّ مِمَّا أَعَانَ اللَّهُ (به) عَلَى الْكَذَّابِينَ النَّسِيَانَ؛ از چیزهایی که خدا به ضرر دروغگویان کمک کرده فراموشی است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۳۴۱). بنابراین، دروغگویی علاوه بر تأثیرات منفی که در رابطه شخص با خداوند و سایر افراد جامعه دارد، تأثیرات منفی بر روح و روان انسان دارد.

۳-۴. آسیب‌های اخلاقی

تنبیه می‌تواند کینه را در قلب کودک تنبیه‌شده نسبت به تنبیه‌کننده ایجاد کند. تنبیه نابجا، نامناسب و غیرعادلانه که یکی از موارد آن تنبیه کودک است در شخصیت دینی و اخلاقی کودک تأثیر منفی زیادی دارد که یکی از آسیب‌های اخلاقی تنبیه ایجاد انگیزه و گاه اجبار فرد به دروغگویی است. مهم‌ترین دلیل دروغگویی کودک این است که کودک در فضای خفقان می‌افتد، احساس می‌کند با دروغگویی می‌تواند از آن فضای خطرناک فرار کند که اصولاً این فضا در محیط خانواده به خاطر ترس از والدین اتفاق می‌افتد. دروغگویی از صفات زشت در انسان است و می‌تواند هویت دینی فرد را خدشه‌ساز کند که در روایات متعددی از آن نهی شده است. در دین اسلام دروغگویی رذیله اخلاقی و گناه خوانده شده است: «راستگویی، فضیلت است و دروغگویی، رذیلت است» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۳۴). در بعضی روایات، دروغگویی از بزرگترین گناهان شمرده شده است و به مفسد دینی و عذاب‌های اخروی فراوان آن نیز تصریح شده است. پس این تنبیه است که موجب معصیت و ارتکاب بزرگترین گناهان و در نهایت خرابی ایمان است؛ چراکه دروغگویی که پیامد تنبیه است خود موجب از دست رفتن ایمان است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «دروغ ویران‌کننده ایمان است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۳۳۳). هنگامی که شخصی ایمان خود را از دست داد، زمینه ارتکاب به همه گناهان و صفات زشت برای او فراهم می‌شود؛ زیرا تمامی صفات زشت و همچنین هرگونه نافرمانی خداوند از ضعف ایمان نشئت می‌گیرد.

تنبیه موجب ایجاد کینه نیز می باشد چنانچه تنبیه مداوم کودک، باعث می شود کینه تنبیه کننده را به دل گرفته، در آینده به شکل های مختلف (درس نخواندن، بی نظمی، کارهای خلاف و...) از تنبیه کننده انتقام بگیرد. همچنین باید توجه داشت که کودکان زیر پنج سال، معنای تنبیه را به درستی نفهمیده و از آن، دشمنی، ناامنی و خطر را برداشت می کنند (همتی، ۱۳۹۶).

۴-۴. آسیب های اجتماعی

تنبیه نامناسب به دلیل تأثیر منفی که بر سلامت جسمانی، روانی، اخلاقی و شخصیتی کودک می گذارد موجب می شود کودک در تعامل با دیگران و از جمله با همسالان دچار مشکل شود. برای نمونه خودکم بینی و استرس که در نتیجه تنبیه در کودک ایجاد می شود سبب خواهد شد او با دیگر همسالانش هم جوشی نداشته و همچنین با مربیانش نیز نتواند رابطه ای معقول داشته باشد. تنبیه حتی ممکن است فرار از خانه و در نتیجه انحرافات اجتماعی، بزهکاری و بزه دیدگی و همچنین افتادن به دام مواد مخدر را به دنبال داشته باشد. والدینی که فرزندان خود را وسیله ای برای فرونشاندن خشم خود قرار می دهند و به ایشان خشونت می کنند و رفتارهای بی رحمانه ای نسبت به آنها دارند چنان ناامنی و وحشتی در فرزندان و خانواده ایجاد می کنند که گاهی برای رهایی از رنج و ناراحتی، نجات از سرزنش های مداوم، تحقیرهای مکرر و یا حتی ترس از آسیب های جسمی، فرزندان از محیط خانواده که می بایست جای امن و آرامی باشد، گریزان می شوند. فرار کودکان از منزل به معنای افزایش تعداد افراد مستعد بزهکاری و بزه دیدگی است که منجر به ایجاد یک وضعیت بحران خواهد شد. فرار از منزل یکی از علل عمده درگیر شدن در فعالیت های مربوط به مواد مخدر است. کودک، نوجوان و یا حتی جوان فراری از منزل، پس از سرگردانی و دربه دری بسیار، سر از مأمن انواع قاچاقچیان و یا عوامل پخش مواد مخدر در می آورند. (نادریان، ۱۳۵۲)

دوران کودکی، دوران نقش‌پذیری کودک است و خانواده نخستین و مهمترین پایگاه تربیت فرزندان است و فرزندان بیش از آنکه حرف‌هایی پدر و مادر را بیاموزند، رفتار آنان را الگوی خود قرار می‌دهند. احساس و عاطفه افراد، ابتدا در خانواده جهت و شکل می‌گیرد، اما برای برخی از کودکان و نوجوانان این نخستین پایگاه، به آموزشگاه خشونت تبدیل می‌شود؛ چراکه خشونت میان والدین و خشونت علیه فرزندان آموزه‌هایی برای ایشان به همراه دارد. بدین ترتیب خانواده به همان میزانی که می‌تواند کودک را در فرایند جامعه‌پذیری یاری دهد به همان میزان نیز می‌تواند فرایند جامعه‌پذیری کودک را ضعیف یا مختل کند یا آن را با یک نتیجه معکوس همراه سازد. خانواده نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت بزهکار ایفا می‌کند. پژوهش‌های متعدد ثابت کرده‌اند که وقتی فسادی موجب بروز اختلال در رفتار طبیعی خانواده با طفل شود، در اغلب موارد و پس از مدتی شاهد بروز بزهکاری فرزندان خواهیم بود. (گسن، ۱۳۷۰)

برخی نیز معتقدند که ۸۰ تا ۹۰ درصد بزهکاران نوجوانان در کانون‌های خانوادگی به‌هم‌ریخته و تجزیه‌شده پرورش یافته‌اند (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲). جرم‌شناسان معتقدند که خانواده از کلیه عوامل ارتکاب به جرم مهم‌تر و قابل توجه‌تر است (مظلومان، ۱۳۴۵)؛ چراکه خانواده محیطی است که کودک از زمان تولد ناچار باید مقتضیات آن را تحمل کند (پیناتل، ۱۳۴۵). این اعتقاد وجود دارد که کودکان آزرده‌خود در آینده والدین آزردهنده خواهند بود. پدران و مادرانی که رفتارهای خشونت‌آمیز به کودکان خود اعمال می‌کنند در دوران خردسالی و کودکی خود مورد آزار بدنی، جنسی، روانی و یا محرومیت و بی‌توجهی قرار گرفته‌اند (جوانفر، ۱۳۸۳، ص ۳۲). براساس تحقیقات جامعه‌شناسی، بیشتر دختران و پسران منحرف که قابلیت ارتباط برقرار کردن دوستانه با سایرین را نداشتند، از کسانی بودند که در سنین ابتدای کودکی خود پیوند مناسبی با فرد مراقب اصلی خود نداشتند (زینالی، ۱۳۸۳). از نظر اندرسن هشتاد درصد جنایتکاران در خانه‌ای به سر برده‌اند که از آن عشق و محبت و صفا رخت بر بسته بود. بسیاری از مطالعات جرم‌شناسی نشان داده‌اند که کودکان بزه‌دیده امروز، نوجوان یا جوان بزهکار فردا خواهند بود (قاسمی، و همکاران، ۱۳۸۶).

کاهش مشارکت در فعالیت های اجتماعی: یکی از پیامدهای تنبیه انزوا و گوشه گیری است که خود باعث می شود فرد از اقوام و دوستان و به طور کلی از اجتماع کناره بگیرد و فرد آسیب دیده سعی می کند کمتر در فعالیت های اجتماعی شرکت داشته و از تعامل با دیگران خودداری می کند. از جمله نموده های رشد اجتماعی افراد میزان مشارکت آنان در فعالیت های اجتماعی و میزان مسئولیت پذیری آنان برای ایفای نقش مثبت در جامعه است. فرزندانی که در کودکی اعتماد به نفس خود را از دست داده اند در پذیرفتن مسئولیت و فعالیت های اجتماعی با مشکل مواجه هستند و سعی می کنند کمتر در اجتماعات شرکت داشته باشند. فرزندی که دچار احساس شرم از خود می شود، به تدریج در ضمیر ناخود آگاهش خواهد پذیرفت که آدم بدی است و لایق داشتن یک زندگی خوب یا رابطه موفق و خوب نیست. نتیجه اینکه حس شرم و فقدان حرمت نفس در کودکان از آنان بچه هایی منزوی، خجالتی و غیر اجتماعی خواهد ساخت.

دیگرآزاری: از دیگر مضرات خطرناک تنبیه دیگرآزاری است و این موضوع در کودکان اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا کودک روحی بسیار آرام و لطیف دارد. گاهی کودک در حضور پدر و مادر، رفتاری صحیح دارد، ولی هنگام فاصله گرفتن از آنها برای تلافی و جبران تبیهی که شده، دیگر کودکان را آزار می دهد. این رفتار ممکن است برای وی عادت شود و به هر بهانه ای به دیگران آزار برساند. (راسخون، ۱۳۹۱)

۴-۵. آسیب های شخصیتی

۴-۵-۱. ایجاد روحیه پرخاشگری

تنبیه می تواند فرد را به سمت تبدیل شدن به فردی پرخاشگر و مخاصمه جو سوق دهد؛ چراکه تنبیه نه فقط، شخص تنبیه شده را عصبی و آماده پرخاشگری می کند (نادریان، ۱۳۵۲) که اگر این تنبیه تکرار شود یکی از مهم ترین آسیب هایی که فرد تنبیه شده را تهدید می کند شکل گرفتن روحیه پرخاشگری در اوست که با شروع دوران نوجوانی به شکل یک ناهنجاری های تربیتی، بیشتر بروز می کند (نجمی پور؛ مشایخی؛ طباطبایی، ۱۳۹۹).

۴-۵-۲. روحیه انزواطلبی

انزواطلبی از دیگر آثار نامطلوب تنبیه نایجاست. کودکی که مرتب مورد بی‌اعتنایی و قهر والدین و مربی خود واقع می‌شود، انزواطلبی را برمی‌گزیند که منجر به درون‌گرایی شدید خواهد شد. بی‌توجهی و قهر نسبت به کودک و نوجوان باید درست باشد و طولانی نشود تا پیامد نامطلوبی نداشته باشد. در روایت نیز آمده است که شخصی از فرزندش در نزد امام موسی کاظم علیه السلام شکوه کرد، حضرت فرمود: «او را کتک نزن، با او قهر کن، اما طولش مده» (مجلسی، ۱۳۱۵، ۹۹/۱۰۱).

۴-۵-۳. ایجاد روحیه لجاجت

ملامت یکی از انواع تنبیه است که امیرالمومنین علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «زیاده‌روی در سرزنش آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد» (الحرانی، ۱۴۰۴، ص ۸۴). لجاجت یکی از رذایل اخلاقی است که در دو حوزه روان‌شناختی آثار مهم و اساسی برجای می‌گذارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لجاجت بذر شر و بدی است» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۱۰).

۴-۵-۴. روحیه زورگویی

تنبیه بدنی به کودک می‌آموزد که می‌تواند دیگران را کتک‌زده و از این راه به خواسته‌هایش برسد. بنابراین، کودکی که تنبیه بدنی می‌شود به ضعیف‌تر از خود زور می‌گوید و آنان را کتک می‌زند. کودک نیز همان‌گونه که والدین یا مربی با او رفتار کرده‌اند، با ضعیف‌تر از خود رفتار می‌کند و حتی همان الفاظی را به کار می‌برد که در موردش به کار برده‌اند. (همتی، ۱۳۹۶)

۴-۵-۵. کینه‌توزی و انتقام‌جویی

تجاوز به حقوق باعث ایجاد خشم می‌شود و فرد را به دفاع وامی‌دارد. هنگام خشم، فرد مرتکب رفتار ناهنجار می‌شود و گفتاری تهی از تدبیر و اندیشه بر زبان می‌آورد. امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که برای خودش شخصیت قائل نیست، از شر او ایمن نباش» (مجلسی، ۱۳۱۵،

۱/۳۶۵/۷۵ ح)

۴-۵-۶. ایجاد روحیه دروغ‌گویی

از دیگر آسیب‌های اخلاقی تنبیه ایجاد انگیزه و گاه اجبار فرد به دروغ‌گویی است. مهم‌ترین دلیل دروغ‌گویی کودک این است که کودک در فضای خفقان می‌افتد احساس می‌کند با دروغ‌گویی می‌تواند از آن فضای خطرناک فرار کند که این فضا در محیط خانواده به خاطر ترس از والدین اتفاق می‌افتاد. دروغ‌گویی از صفات زشتی است که می‌تواند هویت دینی فرد را نابود سازد؛ در توصیه‌های دینی تصریح شده است: «راستگویی، فضیلت است و دروغ‌گویی، رذیلت است» (آمدی ۱۳۶۶، ص ۶۳۴) و حتی در روایات بیان شده است که دروغ، کلید همه گناهان (ر.ک.، مجلسی، ۱۳۱۵، ۲۶۳/۷۲)، بزرگترین گناهان زبان (ر.ک.، مجلسی، ۱۳۱۵، ۲۱۱/۲۱) و بزرگترین گناه است (ر.ک.، فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ۲۴۲/۵).

۴-۶. آسیب‌های دینی و اخروی تنبیه

دروغ‌گویی سرآغاز و سرآمد همه بدیها و گناهان است و یکی از بازخوردهای احتمالی تنبیه نابجا و نامناسب است. براساس آموزه‌های دینی دروغ‌گویی موجب خرابی ایمان است. از امام باقر علیه السلام نقل است: «دروغ ویران‌کننده ایمان است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۳۳/۲) و آسیب به ایمان از خطرناک‌ترین آسیب‌هایی است که ممکن است برای انسان رخ دهد؛ چراکه ایمان تأمین‌کننده آرامش روان و سعادت دنیا و به‌ویژه آخرت است و تنبیه این‌گونه عاقبت و سعادت ابدی انسان را نشانه می‌رود.

۵. راه‌های برون‌رفت از آسیب‌ها

۵-۱. آموزش روش‌های مختلف تربیتی به والدین

والدین پایه‌گذار اصلی شخصیت افرادی است که قرار است جامعه را بسازند، اگر به‌صورت درست و اصولی کودکان را تربیت نکنند هم خودشان و هم جامعه دچار مشکل خواهند شد. بنابراین، مهم‌ترین راهکار برای حذف و برون‌رفت از آسیب‌های تنبیه سرمایه‌گذاری بر آموزش روش‌های مختلف تربیتی به والدین است. حتی این آموزش‌ها باید قبل از تولد فرزند باشد و

والدین آمادگی تولد فرزند را داشته باشند. آموزش روش های کنترل خود و تکنیک های تربیتی مثبت بسیار ضروری است. والدین باید سعی در خودکنترلی و استفاده از تکنیک های تربیتی مثبت در هنگام تربیت فرزند خود استفاده کنند (قاسمی، و همکاران، ۱۳۸۶). برای مثال از جمله مواردی که والدین گرایش به تنبیه فرزندشان دارند، زمانی است که فرزند برخلاف گوشزدهای مکرر، به خواسته آنها عمل نکرده است که والدین برای وادار کردن کودک به رفتار صحیح او را تنبیه می کنند. در این مواقع والدین باید خود را در سطح و جایگاه کودک قرار دهند، تماس چشمی با او برقرار نمایند، او را لمس کنند (به طور مثال دستش را بگیرند) و در عبارات کوتاه و روشن با مهربانی، اما قاطعانه، آنچه را از او انتظار دارند، بگویند.

۲-۵. هماهنگی والدین در تربیت

والدین باید برای تربیت فرزند به صورت هماهنگ عمل کنند؛ زیرا ناهماهنگی در رفتار والدین نیز باعث خواهد شد تا کودکان اعمال ناپسند را تکرار کنند، به ویژه که برخی از والدین بهترین راه را تنبیه جسمی می دانند.

۳-۵. عدم تصمیم گیری در حین عصبانیت

والدین نباید در برابر خطای فرزند سریع خشمگین شده و او برخورد کنند. همان طور که در منابع روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است: «از خشم بپرهیزید که آن آتشی سوزاننده است» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۳). بنابراین، والدین نباید در هنگام عصبانیت سریع تصمیم بگیرند و در برابر اشتباه فرزند عکس العمل نشان دهند. شیوه های تربیتی مثبت مانند گذاشتن قوانین و محدودیت و برخورد قاطعانه و یکسان با اشتباهات و رفتار نامناسب فرزند، تکنیک تقویت مثبت، گوشزد کردن نتیجه رفتار بد به کودک، طرح رفتار کودک به عنوان مشکل نه خود کودک و توضیح به کودک در مورد چرایی اشتباه بودن رفتار می تواند اهداف تربیتی را برآورده سازد. در برخورد با کودک توجه به سن و سطح تکاملی فرزند نیز مهم است. آموزش روش های کنترل خود و تکنیک های تربیتی مثبت بسیار ضروری است. والدین با فراگیری روش های خودکنترلی روح و

جسم فرزندانشان را بهتر حفظ می‌کنند. (قاسمی، و همکاران، ۱۳۸۶) برای نمونه چنانچه در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه یکی از شما خشمگین شد با آب سرد وضو بگیرد؛ زیرا خشم از آتش است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ۵ / ۳۰۵) و یا همان‌طور که امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «خشم را با خاموشی درمان کنید و خواهش نفس را با خرد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۰) باید با خنکای آب و یا سردی سکوت آتش غضب را خاموش نمود؛ که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام از ادب کردن در حال غضب نهی کرده‌اند (مجلسی، ۱۳۱۵).

۴-۵. کاستن از سختی شرایط خانواده

والدین باید زمانی را به خودشان اختصاص دهند؛ زیرا والدینی که برای خودشان وقت نمی‌گذارند، بیشتر مستعد کتک زدن فرزندان هستند. بنابراین، مهم است که والدین زمانی را برای ورزش، عبادت، مطالعه و پیاده‌روی خود اختصاص دهند. تنبیه بدنی کودکان در مقایسه با مسائلی چون خشونت جنسی و کار اجباری کودکان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات سازمان ملل متحد بیان می‌دارد که رسانه، نقش محوری در شکل دادن به عقاید افراد دارند و بر روی هنجارهای اجتماعی که می‌تواند بر رفتارها مؤثر باشد، تأثیر می‌گذارند. بنابراین، رسانه‌ها باید مسئله تنبیه بدنی را به حوزه عمومی وارد کرده و فضا را برای بحث در مورد این مشکل و یافتن راه حل‌ها آماده نمایند. بنابراین، بدون بالا بردن سطوح آگاهی عمومی، دستیابی به پیشگیری و ممنوعیت تنبیه بدنی و تغییر در رفتارها در مقیاس وسیع و برای همیشه دشوار خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

برخلاف همه اختلاف نظرهایی که میان دانشمندان در مورد آثار تنبیه وجود دارد، فقهای مسلمان با استناد به روایات معصومان و نقش مهمی که این روش تربیتی در اصلاح جامعه و فرد دارد، به جواز تنبیه با رعایت نکات و شرایطی فتوا داده‌اند. هرچند به این نکته نیز توجه داده‌اند که رفتار محبت‌آمیز و مسئولانه والدین، نیاز به تنبیه بدنی را کاهش می‌دهد. باتوجه به

متنوع بودن و محدود نبودن آن به تنبیه بدنی، آثار و در نتیجه آسیب‌های آن نیز متنوع خواهد بود. آسیب‌های جسمانی، روانی، اجتماعی، شخصیتی، دینی و اخروی که در منابع اسلامی برای برون‌رفت از آنها راهکارهایی چون آموزش والدین، هماهنگی در تربیت که موجب کاهش تنش‌ها و تعدیل شرایط روانی خانواده است، عدم تصمیم‌گیری در عصبانیت و کاستن از سختی‌های خانواده توصیه شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۲۹ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۶ق)، لسان العرب. بیروت: دارالصادر.
۳. احمدی، سیداحمد (۱۳۷۴). روان‌شناسی رشد نوجوانی و جوانی. اصفهان: مشعل.
۴. موسوی، سید علی (۱۳۹۱). تنبیه و اثرات آن از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی. سایت راسخون. <https://rasekhoon.net/article/show/627919>
۵. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالحکم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵). بحارالانوار. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۷. بهشتی، محمد (۱۳۸۶). مبانی تربیت از دیدگاه قرآن. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴). تحف العقول عن آل الرسول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۹. هرگنجان بی. آر.، و اولسون، متیو (۱۴۰۱). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. مترجم: سیف، علی اکبر. تهران: نشر دوران.
۱۰. انصاری، قدرت‌الله. و فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۲). احکام و حقوق کودکان در اسلام. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
۱۱. جوانفر، عباس (۱۳۸۳). بررسی علل آزار کودکان در خانه. ماهنامه اصلاح و تربیت، ۳۲(۳)، ۱۳-۹.
۱۲. حجتی، سیدمحمدباقر (۱۳۸۳). شرایط و کارایی تنبیه در تربیت کودک و نوجوان. نشریه روش‌شناسی علوم انسانی ۴۰(۱۰)، ۳۲.
۱۳. حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۷۷). تنبیه از دیدگاه اسلام. نشریه روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۴(۴)، ۱۶-۲۵.
۱۴. حسینی، داوود (۱۳۹۱). مبانی نظری تنبیه از دیدگاه علم روان‌شناسی و اسلام. نشریه معرفت، شماره ۱۷۴، ۹۹-۱۱۸.
۱۵. داوودی، محمد (۱۳۸۷). سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (بی‌تا). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. زینالی، حمزه (۱۳۸۲). جرم‌زدایی از قوانین کیفری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. اهواز.
۱۸. سیف، علی اکبر (۱۳۹۷). روان‌شناسی پرورشی. تهران: نشر دوران.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۷). المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: حجتی کرمانی، محمدجواد. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۲۰. غفاری، خلیل، و حسینی، سید سعید (۱۳۹۵). رابطه کاربرد شیوه‌های تشویق و تنبیه با عزت نفس دانش آموزان. فصلنامه مهارت‌های روان‌شناسی تربیتی، ۲(۷)، ۹۷-۱۱۱.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه‌مرتضی (۱۴۱۷). المحجۀ البیضاء. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۲. قاسمی، فاطمه، ولی‌زاده، فاطمه، طولابی، طاهره، و ساکی، ماندانا (۱۳۸۶). بررسی برخی مشکلات رفتاری ناشی از تنبیه بدنی توسط والدین در کودکان دبستانی. نشریه یافته، شماره ۴، ۶۵-۵۹.
۲۳. گسن، ریموند (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی. تهران: چاپخانه علامه طباطبایی.
۲۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مظلومان، رضا (۱۳۴۵). جامعه‌شناسی کیفی. تهران: چاپ اقبال.
۲۷. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: انتشارات زرین.
۲۸. نادریان، علی اکبر (۱۳۷۶). تأثیر مواد مخدر در بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. اهواز.
۲۹. نجمی پور، احمد، مشایخی، ناهید، و طباطبایی، سید محمود (۱۳۹۹). بررسی تنبیه بدنی زوجه در قرآن و روایات با رویکرد معناشناختی به واژه «ضرب». دوفصلنامه علوم قرآن و حدیث، ۱(۵۲)، ۲۷۸-۲۵۱.
۳۰. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۹۱). اخلاق ناصری. تهران: انتشارات خوارزمی.
۳۱. همتی، مجید (۱۳۹۶). تنبیه آری یا خیر. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره).